

## بررسی عامل‌های سبک زندگی در خانواده‌های روستایی با مطالعه‌ای در بین خانواده‌های روستایی شهرستان بستان‌آباد استان آذربایجان شرقی

رضا خورشیدی زگلوجه<sup>۱</sup>

کرم حبیب پور گتایی<sup>۲</sup>

روزا کرم پور<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۱۷

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲۳

### چکیده

هدف از تحقیق حاضر شناسایی عامل‌های محوری سبک زندگی خانواده‌های روستایی شهرستان بستان‌آباد و تعیین سهم آن‌ها در تبیین تغییرات سبک زندگی است. روش تحقیق پیمایشی بوده و جامعه آماری پژوهش حاضر در بر گیرنده سرپرستان خانواده‌های روستایی شهرستان بستان‌آباد به تعداد ۱۸۶۴۵ نفر در سال ۱۳۹۵ می‌باشد که از این تعداد ۳۷۶ نفر براساس فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. روش آماری مورد استفاده، آمار توصیفی همراه با تحلیل عاملی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است که اعتبار ابزار گردآوری اطلاعات از طریق اعتبار صوری و پایایی آن با آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شده است. بر اساس یافته تحقیق می‌توان در بعد اقتصادی از عامل‌های تولیدگرا، پس‌اندازگرا، مصرف‌گرا، در بعد اجتماعی از عامل‌های مشارکت‌گرا، جمع‌گرا و دگردوست نام برد. عامل‌های ازدواج‌گرا و پسرگرا در بعد ارزش‌ها هستند و در بعد هویتی عامل‌های اصالت‌گرا، خودباور و تکلیف‌گرا استخراج شدند. در نهایت عامل‌های مدرن‌گرا و سنت‌گرا در بعد نظامندی خانواده و دین‌مداری در حوزه دین‌داری خانواده به دست آمدند. هم‌چنین نتایج تحقیق نشان داد که از میان ابعاد سبک زندگی، بعد اقتصادی با سه عامل محوری یعنی تولید، پس‌انداز و مصرف با بیشترین مقدار ویژه نزدیک به ۶۰ درصد تغییرات سبک زندگی خانواده‌های روستایی را تبیین می‌کند. با جمع‌بندی عامل‌های استخراجی می‌توان از سبک زندگی تلفیقی (ترکیبی از سنت و مدرن) نام برد که در خانواده‌های روستایی حاکم است.

**مفاهیم کلیدی:** سبک زندگی، عامل‌های محوری، سبک تلفیقی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران- ایران.

E- mail: rezakhorshidi79@yahoo.com

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران- ایران (نویسنده مسئول). E- mail: karamhabibpour@yahoo.com

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران- ایران.

### مقدمه و بیان مساله

تغییر بی‌وقفه سلیقه خانواده‌های روستایی و بالا رفتن سطح انتظارات آن‌ها با توجه به تغییرات جهانی موجب گردیده است شناخت سبک زندگی خانواده‌ها و پیامدهایی که می‌تواند برای جامعه در سطح کلان داشته باشند، قابل توجه باشد. پژوهش در موضوع سبک زندگی بیشتر به عنوان یک حوزه مطالعاتی «بین رشته‌ای» تلقی می‌شود. ورود دانش پزشکی و دین‌شناسی به این حوزه نیز شاهدی بر مدعای فوق است. پرداختن به سبک زندگی در سطح خانواده‌های روستایی به دلیل پیامدهایی که برای عملکرد خانواده در جامعه دارد، ضروری است. در تعریف و تبیین سبک زندگی خانواده روستایی می‌توان چنین عنوان داشت که سبک زندگی حاصل ترکیب انگیزه‌ها، خصیصه‌ها، علایق، ارزش‌ها و افکاری است که در رفتار یک شخص، نهایتاً در رفتار یک خانواده و جامعه روستایی نمایان می‌شود. در تعریفی دیگر از سبک زندگی آن را مجموعه عقاید، طرح‌ها و نمونه‌های عاداتی رفتار، هوی و هوس‌ها و شیوه‌های تبیین شرایط اجتماعی یا شخصی نامیده‌اند که نوع خاص واکنش فردی را تعیین می‌کند. در واقع سبک زندگی نمودی از جهت‌گیری‌ها و عادات روزانه است که در دیدگاه آنتونی گیدنز این مجموعه عادات برخوردار از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی و پیوندی بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منظم را تامین می‌نماید (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱). دو تفسیر از سبک زندگی وجود دارد: یکی به عنوان مفهومی خاص که به واسطه آن می‌توان به فهم جامعه رسید. سبک زندگی در مفهوم دیگر، شیوه و متد زندگی است. در هر دو تعبیر، بین خانواده و سبک زندگی رابطه وجود دارد. بحث‌هایی که تا به حال در مفهوم سبک زندگی چه به صورت نظری و چه به صورت تجربی صورت گرفته است، حکایت از نگاه فردگرایی به بحث سبک زندگی آن هم در حوزه شهری دارد. اما مشخصه‌های سبک زندگی روستایی چون تولید، کار، ارزش‌ها، سنت‌ها و تداوم آن‌ها، همکاری و یک رنگی ضرورت بحث را نشان می‌دهد از طرف دیگر تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که به روستاها کشیده شده است اهمیت بحث را دو چندان کرده است. سبک زندگی خانواده‌های روستایی را با توجه به تحولات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌توان به سبک زندگی سنتی، مدرن و تلفیقی دسته‌بندی کرد. تعاریف مفهوم سبک زندگی متعدد و گوناگونند. اما در مجموع، می‌توان تعاریف گوناگون را در سه دسته کلی جای داد: گروه اول، مجموعه تعاریفی است که سبک زندگی را از جنس رفتار می‌دانند، ارزش‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های ذهنی افراد را از دایره شمول این مفهوم بیرون می‌گذارند. گروه دوم، تعاریفی هستند که رفتار و ذهنیت را توأمان لحاظ کرده و ارزش‌ها، نگرش‌ها را نیز بخشی از سبک زندگی می‌دانند. گروه سوم، تعاریفی هستند که به وجه نمادین سبک زندگی توجه دارند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۸-۶۷). انتقادی که بر این گروه‌بندی وارد است، تقلیل‌گرایی در ویژگی کثرت‌گرایی سبک زندگی می‌باشد. لذا نمی‌توان از سبک زندگی تنها در قالب فکر یا رفتار و نماد صحبت کرد، سبک زندگی دستورالعملی است که سرچشمه تمام اعمال و رفتار انسان‌ها می‌باشد. این

پژوهش به دنبال پاسخگویی این سوال است که عامل‌های مهم در سبک زندگی خانواده‌های روستایی کدامند، و سهم آن‌ها در تبیین سبک زندگی خانواده به چه میزان می‌باشد؟

### مبانی نظری

سبک زندگی از آغاز قرن بیستم توجه اندیشمندان را به خود جلب کرد. سبک زندگی علاوه بر طبقه اقتصادی مارکس، شاخص‌های دیگری را شامل می‌شود که امکان برداشت‌های غیرمارکسیستی از فعالیت مردم را برای صاحب‌نظران فراهم آورد. آدلر در سال ۱۹۲۰ با دیدگاهی روان‌شناختی سبک زندگی را بررسی کرده است و ارزش‌های فردی را تعیین کننده سبک زندگی می‌داند. ولی در حال حاضر سبک زندگی را پدیده جمعی می‌دانند که در هر دو سطح فردی و جمعی مطالعه می‌شود (بیل و هالوس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۳). از دهه ۱۹۴۰ به بعد سبک زندگی به عنوان ابزاری سیاسی برای تمایز به بلوک‌بندی غرب مقابل نازی‌ها در جنگ جهانی دوم و سپس بلوک شرق در سال‌های بعد و طی جنگ سرد کمک می‌کرد (بندیکتر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۳). گویا اولین بار لیزر در سال ۱۹۶۳ سبک زندگی را براساس الگوی خرید کالا تعریف می‌کند. به نظر وی «سبک زندگی دال بر شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی است، شیوه‌ای که بدان طریق مصرف کننده خرید می‌کند و شیوه‌ای که بدان طریق کالای خریداری شده مصرف می‌شود و این شیوه، بازتاب کننده سبک زندگی مصرف کننده در جامعه است» (آندرسون و گلدین<sup>۳</sup>، ۱۹۸۴: ۳-۲). اواسط دهه ۱۹۷۰ با صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی و افزایش سطح رفاه و بی‌اطلاعی مردم از وضعیت اجتماعی یکدیگر، سبک زندگی معیاری برای نمایندگی جایگاه اجتماعی افراد برای دیگران شد. علاقه سرمایه‌گذاران به آگاهی از عادات، علایق و سلاطین مردم جهت بازاریابی موجب گردید سبک زندگی مورد توجه قرارگیرد. یاسرمن در سال ۱۹۸۳ سبک زندگی را الگویی از مصرف می‌داند که در بر دارنده ترجیحات، ذائقه و ارزش‌هاست (ربانی و رستگار، ۱۳۸۷: ۲۴-۲۳). در دهه ۱۹۹۰ مطالعات سبک زندگی به حوزه بین رشته‌ای تبدیل شد و با نظرگاه‌های متفاوت مورد بررسی قرار گرفت با جهانی شدن، سبک زندگی جهانی مطرح گردید که نتیجه آن گسترش سبک زندگی غربی در جهان بود به دنبال آن سبک زندگی اسلامی مورد توجه قرار گرفت.

<sup>1</sup>. Beal & Hollows

<sup>2</sup>. Bendekter

<sup>3</sup>. Anderson & Golden

## جدول شماره (۱): خلاصه تاریخچه پردازش سبک زندگی در یک نگاه

تاریخ و صاحب‌نظر مطرح‌کننده سبک زندگی	کیفیت سبک زندگی
۱۹۲۹ توسط آلفرد آدلر	در حوزه روان‌شناسی اجتماعی با مفهوم فردی مطرح شد.
۱۹۶۱ توسط جامعه‌شناسانی چون وبر-مارکس-انگلس-لنین	در حوزه اجتماعی برای تقسیم‌بندی اجتماعی مطرح شد.
۱۹۶۳ توسط لیزر	بر اساس الگوی خرید که متمایز کننده است مطرح شد.
۱۹۷۰ توسط جامعه‌شناسان	شاخصی مهم برای فهم دنیای مدرن مطرح گردید.
۱۹۸۳ توسط یاسرمن	الگوی مصرف که در بردارنده ذایقه‌ها و ارزش‌ها است، مطرح شد.

در تعریف سبک زندگی با واژه فراگیری رو به رو هستیم. به عنوان مثال بورديو بر این باور است که سبک زندگی شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی کننده فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، آداب سخن‌گفتن، راه رفتن، نوع پوشش، نوع خوراک محسوب می‌شود (بهنوئی گنده، ۱۳۸۷: ۸). لیزر معتقد است سبک زندگی طرز مشخص یا متمایز زندگی کردن گروهی از مردم است. نظامی است که از تأثیر فرهنگ (ارزش‌ها، منابع، نمادها و قوانین) بر نیروهای زندگی در گروه شکل می‌گیرد (الفت و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰). سبک زندگی در تعامل بین افراد و معنایی که رد و بدل می‌شود تجلی می‌یابد (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸).

سبک زندگی در ادبیات موجود علوم اجتماعی مفهومی نسبتاً جدید است. چنان که بعضاً پدیدار شدن «سبک زندگی» را در زمره اختصاصات «جامعه مدرن متأخر» قلمداد کرده‌اند. طبیعی است چنان‌چه سبک زندگی را در مفهومی صرفاً تحت‌اللفظی و خنثی فهم کنیم، تلقی آن به مثابه امری نوظهور اسباب تعجب را فراهم خواهد کرد. زندگی آحاد بشر در اعصار و جوامع مختلف همواره بر اساس مجموعه‌ای از قواعد و مناسبات معین نظم و نسق یافته است و طبعاً می‌تواند در وسیع‌ترین معنا واجد سبک قلمداد شود. اما در ادبیات علوم اجتماعی مفهوم سبک زندگی محتوایی فراتر از این دارد و به واسطه این محتوای مشخص است که از اصلی‌ترین نشانه‌های تحولات اجتماعی و فرهنگی سه دهه اخیر غرب به حساب می‌آید. البته پیگیری و جستجوی مفهوم سبک زندگی، ما را به مواردی از استخدام آن در متون جامعه‌شناختی پیش از سه دهه اخیر نیز رهنمون خواهد ساخت. بیشتر اوقات در روایت فرآیند تکوین مفهوم سبک زندگی، به ریشه‌های آغازین و اولین مفهوم‌سازی‌ها از آن در کار کسانی چون ماکس وبر، گتورگ زیمل و تورشتاین وبلن در سال‌های آغازین قرن بیستم اشاره می‌شود. این ریشه‌یابی به یک معنا، عناصری از واقعیت را نیز با خود دارد. اما روشن است که مفهوم جدید سبک زندگی به وضوح فراتر از چیزی است که در این مفهوم سازی‌های اولیه منعکس گردیده است. به عنوان مثال، وبر مفهوم سبک زندگی را در ذیل مقوله منزلت یا احترام به عنوان یکی از اضلاع سه ضلعی مشهور خود (ثروت، قدرت و منزلت) تعریف می‌کرد. در این تعریف عملاً سبک زندگی مفهومی کم و بیش مترادف با فرهنگ می‌یافت. با وجود این که مفهوم جدید

سبک زندگی در زمینه مباحثاتی شکل گرفته که از کار و بر به طور عام و دسته‌بندی سه‌گانه ثروت، قدرت و منزلت به طور خاص متأثر است، سبک زندگی امری اجتماعی است. به تعبیری می‌توان آن را تابلوی نقاشی دانست که تکه‌پاره‌های به کار رفته در آن از متن زندگی اجتماعی فراهم می‌آید. اما نهایتاً نوع تلفیق و ترکیب آن‌ها گویی چیزی است که انسان ما بعد تجدد و فردیت یافته بر حسب ذوق و سلیقه خود آن را می‌سازد. البته این «ساخت» و سلیقه سازنده آن به شدت سیال، متغیر و دلبخواهی است. شاید این اصلی‌ترین تفاوتی است که مفهوم سبک‌زندگی با فرهنگ دارد: سبک زندگی مقوله‌ای اساساً سیال، لغزنده و غیر قطعی است. سبک زندگی ریشه در ذات‌ها و سلیقه دارد. سوئل بعد از بحثی مفصل درباره تعریف سبک زندگی می‌نویسد: «کاملاً معقول است که بپذیریم سبک‌زندگی کاملاً قابل مشاهده یا قابل استنتاج از مشاهده است» (سوئل<sup>۱</sup>، ۱۹۸۱: ۲۸)، و در ادامه تأکید می‌کند که الگوی مصرف، قابل مشاهده‌ترین و بهترین شاخص سبک زندگی است. علاوه بر این، الگوی مصرف قادر است بیشترین ارتباط میان افراد و موقعیت اجتماعی وی برقرار سازد و از این منظر اهمیت تحلیلی بیشتری دارد. لامونت و همکارانش نیز ضمن تأکید نهادن بر شیوه سازمان دادن زندگی شخصی، الگوی تفریح و مصرف را بهترین شاخص سبک زندگی می‌دانند (لامونت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶: ۳۲). ایزکی هم فقط به الگوی مصرف اشاره می‌کند. مفهوم سبک‌زندگی به نسبت رویکردهایی که بدان پرداخته می‌شود، تعاریف متفاوتی دارد. سبک زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها، در هر چیزی، از موسیقی گرفته تا هنر و تلویزیون را در بر می‌گیرد. در بیشتر مواقع عناصر یک سبک زندگی به شکلی جمع می‌شوند و شماری از افراد در یک نوع سبک زندگی اشتراکاتی پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، گروه‌های اجتماعی اغلب مالک یک نوع سبک زندگی شده و یک سبک خاص را تشکیل می‌دهند. مفهوم سبک زندگی به معنای انطباق دادن یک رهیافت سبک داده شده، در زندگی است. مثلاً برای فرد مهم است که مانند فلان خواننده معروف باشد. حتی اگر آن خواننده غذای تایلندی بخورد، دیوار خانه‌شان را فلان رنگ کند، یا در خانه تفریح کند نه بیرون. سبکی شدن زندگی با شکل‌گیری فرهنگ مردم رابطه نزدیک دارد. بنا بر این می‌توان شناخت لازم در مورد فرهنگ یک جامعه را از طریق شناخت سبک زندگی آن جامعه به دست آورد. به این معنی که باید نسبت به اشکال سبک داده شده زندگی مردم در آن جامعه، شناخت پیدا کرد. موسیقی عامه، تلویزیون، آگهی‌ها همه و همه، تصویرها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند. اما این تصویرها اجازه می‌دهند که مردم فکر کنند و تصور کنند، هر چیزی که آن‌ها را ارضا می‌کند سازمان داده و بسازند. «آلفرد آدلر» از اصطلاح سبک زندگی برای اشاره به حال و هوای زندگی فرد استفاده کرد. سبک زندگی، هدف فرد، خودپنداره، احساس‌های فرد نسبت به دیگران، و نگرش فرد نسبت به دنیا را شامل می‌شود (فایست، ۱۳۹۵: ۱۰۹). از دیدگاه «سوئل»، سبک زندگی عبارت است از: «هر شیوه متمایز قابل تشخیص زیستن» (چاوشیان و ابادزی، ۱۳۸۱: ۲۴). «سولومون» اعتقاد دارد که هر جامعه‌ای دارای سبک

<sup>۱</sup> Sobel

<sup>۲</sup> Lamont

و شیوه زندگی متفاوتی است. سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می‌دهد. در جوامع سنتی انتخاب‌های مبتنی بر مصرف به شکل گسترده‌ای بر اساس طبقه، کاست، محیط روستا یا خانواده دیکته می‌شود؛ درحالی که در جوامع مدرن به هر حال مردم دارای آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاها و خدمات و فعالیت‌هایی هستند که به نوبه خود هویت اجتماعی را خلق می‌کند (رسولی، ۱۳۸۲: ۵۴). به نظر «آرتور آسابرگر» برای تعریف اصطلاح سبک زندگی با واژه فراگیری رو به رو هستیم که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس تا سرگرمی و تفریح و ادبیات و موضوعات مربوط دیگر را شامل می‌شود. کلمه «سبک»، «مد» را تداعی می‌کند؛ پس سبک زندگی در واقع مد یا حالت زندگی یک فرد است. برداشت «گیدنز» از مقوله سبک زندگی عبارت است از: تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها یا الگویی از کنش‌ها که افراد آن‌ها را انتخاب کرده و کنش‌های آن‌ها در زندگی روزمره به واسطه آن‌ها هدایت می‌شود (خوشنویس، ۱۳۸۹: ۱۱). وبلن با مطرح کردن ثروت و مصرف خودنمایانه، آن‌ها را معیار اقتدار هنجاری طبقات مرفه و تن‌آسا می‌داند که این طبقه را به الگوی جامعه تبدیل می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۱-۲۰). مفهوم دیگر وبلن که در قالب سبک زندگی توسعه می‌یابد مد است که طبقات مرفه برای بازتولید جایگاه مسلط خود رایج می‌کنند. وبلن سبک زندگی فردی را الگوی رفتار جمعی می‌داند این رفتارها از جنس رسوم و عادات اجتماعی و روش‌های فکری‌اند. او در جای دیگر سبک زندگی فردی را تجلی رفتار و مکانیسم روحی، عادات فکری انسان قلمداد می‌کند (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۵). زیمیل به دلیل این که انگیزه درونی و عوامل موثر بر شکل‌گیری الگوی مصرف را بررسی کرده در جامعه‌شناسی سبک زندگی برجسته است. او به بررسی تاثیر تغییرات اجتماعی ظهور کلانشهر در الگودهی مصرف پرداخت. میراث این خط سیر فکری زیمیل را می‌توان در مجموعه تحلیل‌هایی دنبال کرد که شهر مدرن را جایی برای خرید کردن و در یک کلام، مصرف می‌داند. در کل، زیمیل در تحلیل مصرف‌گرایی جامعه مدرن بر مقوله‌ای هم‌چون مد تاکید دارد. به نظر وی مصرف‌کالاها و ایجاد سبک زندگی از سویی برای فرد هویت بخش و از سویی دیگر متمایزکننده است (خواجه نوری، ۱۳۹۰: ۲۸). مفهوم سبک زندگی پس از وبر، زیمیل و وبلن از سال‌های نخست دهه ۱۹۹۰ مجدداً در آرای نظریه‌پردازان اجتماعی و فرهنگی معاصر چون بوردیو، فیدرستون، شلیدز و چنی وارد مباحث جامعه‌شناسی شد. بوردیو در اثر شاخص خودتمایز، با بسط اندیشه‌های وبر، زیمیل و وبلن سبک زندگی را چون بازتاب منزلت اجتماعی، مفهوم‌پردازی می‌کند. طبق استدلال بوردیو، سبک زندگی افراد پیام‌هایی درباره سطح ثروت، موقعیت، شان و منزلت آنان به جامعه صادر می‌کند بوردیو علاوه بر این که آگاهانه بودن سبک زندگی را قبول دارد به تعیین کنندگی بخش ساختار، طبقه و فرهنگ در شکل دادن به عادت و سلیقه‌ها تاکید دارد (بنت، ۱۳۸۶: ۱۰۰). چنی با رد نظریه بوردیو یعنی تعیین بخشی ساختار بر روی سبک زندگی که به معنای نفی گزینش‌گری افراد در زندگی روزمره است سبک‌های زندگی را نشان‌گر تامل‌گری می‌داند که افراد در زندگی روزمره به نمایش می‌گذارند.

جدول شماره (۲): خلاصه دیدگاه صاحب‌نظران در مورد سبک زندگی و کارکردهای آن

صاحب‌نظران	مضمون تعریف سبک زندگی	کارکرد سبک زندگی
ویر	ابزار مفهومی	تعیین کننده قشرها
وبلن	ادراک روابط میان ثروت، منزلت و قدرت	مصرف نمایشی طبقه مرفه
زیمل	مصرف‌گرایی جامعه مدرن	هویت بخشی و تمایزگری
بورديو	بازتاب منزلت اجتماعی	نمایش موقعیت‌ها در جامعه
چنی	بازتاب تامل‌گری افراد در زندگی روزمره	هویت‌سازی فردی
گیدنز	مجموعه منظمی از رفتارها یا الگویی از کنش‌ها	هدایت‌گر کنش‌های انسانی
آرتور آسا برگر	واژه فراگیر	شکل دهنده سلیقه‌ها و عادت‌ها
سویل	هر شیوه متمایز و بنابراین قابل تشخیص زیستن	تمایز کننده
سولومون	نسبی است	فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می‌دهد
یاسرمن	الگویی از مصرف می‌داند	تجلیگر ذائقه‌ها و ارزش‌ها
آدلر	اشاره به حال و هوای زندگی فرد	نشانگر مشخصه‌های شخصی

آن‌چه در جمع‌بندی نظری در خصوص سبک زندگی می‌توان گفت سبک زندگی ابزاری در دست نهادها، ساختارها، انسان‌ها برای نمایش هویت‌ها، منزلت‌ها و تمایزهایی‌ها بوده است، آن را زاینده گسترش شهرها و صنعتی شدن می‌دانند به مطالعه آن در سطح شهر بیشتر پرداخته شده است و از مطالعه سبک‌های زندگی روستایی غفلت گردیده است در حالی که با فشرده شدن زمان و مکان، انتقال سریع ذائقه‌ها و عادت‌ها، ما را آگاه می‌کند که به شکل‌گیری سبک زندگی و ابعاد آن در روستاها که محل تولید می‌باشد توجه کنیم و عامل‌های آن را بازبازی کنیم.

جدول شماره (۳): ویژگی‌های مفهومی سبک زندگی به تفکیک صاحب‌نظران

صاحب‌نظران	ویژگی‌های مفهومی سبک زندگی
وبلن و زیمل	شیوه تغذیه، خودآرایی نوع پوشاک و پیروی از مد، نوع مسکن، اتانیه، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه گذران اوقات فراغت و تفریح، کشیدن سیگار در محافل عمومی، تعداد مستخدمان.
آدلر	رفتار، افکار، احساسات فرد و حرکت به سوی هدف.
چاپین و اسول	محل سکونت، نوع خانه و وسایل اتاق نشیمن، سایر جلوه‌های عینی شأن و منزلت.
کلاکھون	رفتارهای شخصی مصرفی حاکی از ترجیحات فردی مانند: نحوه استفاده از صنایع فرهنگی، تفریحی و ورزشی، نحوه بازی کردن، نحوه لباس پوشیدن.
گردون	الگوهای مصرف، نوع لباس، نحوه صحبت، نگرش‌ها و الگوهای مربوط به نقاط تمرکز علاقمندی در امور فرهنگی مانند: امور جنسی، عقلانیت، خانواده، آموزش، هنرها، ورزش‌ها و دین.

پارسونز	جنبه‌هایی که ناشی از فناوری مدرن زمان او بود، خودروی خانوادگی، یخچال، ماشین لباسشویی و تلویزیون.
استون	در بررسی یکی از گروه‌های مذهبی جدید زمان خودش: (عدم ازدواج، تغییر مکرر مکان اقامت، مصرف مواد روانگردان، پیوستن و جدایی مکرر از گروه‌های مختلف برای کسب تجربه.
وارنر	نحوه گذران اوقات فراغت تفریحات و سلیقه‌های ورزشی (تفاوت‌های دینی، ارزش‌های سیاسی، الگوهای زندگی خانوادگی، روابط زناشویی و شیوه‌های تربیت کودک.
راجر برون	عادات نوشیدن و خوردن سالاد، انتخاب کلمات، طرز پوشش و عادت نشستن، شیوه‌های تربیت کودک، رفتارهای جنسی، بهداشتی، مذهبی، سیاسی، میزان عصبی یا روانی بودن.
ابرین ون فوسن	محل زندگی، مشارکت‌های محلی، نوع منزل با حیاط، گاراژ، کارگاه و ... انجمن‌هایی که فرد برای غذا، ملاقات‌ها یا ازدواج به آن‌ها می‌پیوندد، انتخاب میان کنسرت‌ها یا مسابقه بوکس، اسکی‌بازی، قایقرانی یا ... برای اوقات فراغت.
پوردیو	دارایی‌ها، کالاهای تجملی یا فرهنگی، مانند خانه، ویلا، قایق تفریحی، ماشین، اثاثیه، نقاشی‌ها، کتاب‌ها، نوشابه‌ها، سیگارها، عطرها، لباس‌ها (فعالیت‌های متمایز کننده) مانند: ورزش‌ها، بازی‌ها، تفریحات، لباس پوشیدن، رسیدگی به ظاهر بدن خود، نحوه استفاده از زبان و بودجه‌بندی.
برلسون و استینر	اوقات فراغت و ذوقیات، نحوه مصرف مناسب پول، مواردی مثل رسیدگی به وضع ظاهری و لباس، آداب معاشرت، سلیقه زیباشناختی، سرگرمی‌ها) اعم از تفریحی و ورزشی، از قایق‌سواری و چوگان گرفته تا تنیس و بولینگ (خوردنی‌ها) از شکلات کش‌دار شیرین گرفته تا نوع نرم و تلخ آن.
پیزا	زندگی مشترک قبل از ازدواج، مصرف ماری جوانا، همجنسگرایی و زندگی در محیط‌های اشتراکی.
سگالن	در بررسی سبک زندگی در محدوده مسائل زناشویی: مسکن فضای داخلی خانه و تقسیم‌بندی فضاهای خصوصی و فضاهای عمومی و تفریحی داخلی و خارجی، معاشرت و شبکه روابط خویشاوندی و اتکا در امور و حوادث و تأثیر این روابط بر نوع گذران اوقات فراغت، نوع نگاه و رفتار در مورد اشتغال زنان و تقسیم کار در زندگی زناشویی.
جی. ای. ویل	مصرف، ارزش‌ها، نگرش‌ها، مسائل جمعیت‌شناختی، تفاوت‌های جنسی، موقعیت اقتصادی، شغل، طبقه‌بندی اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت.
لسلی و دیگران	الگوهای مصرف اعم از لباس، طرز حرکات، سبک محاوره، سلیقه، انتخاب نوشیدنی، تجهیز خانه، مواد خواندنی، گذران وقت، آداب معاشرت.

### پیشینه تحقیق

بهنویی در سال ۱۳۹۱ تحت پژوهشی با عنوان جوانان، سبک زندگی و هویت اجتماعی در بابل‌سر به این نتیجه رسیدند که بین سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان همبستگی مثبت وجود دارد. هم‌چنین یافته‌های وی نشان می‌دهد نوع سبک زندگی فرد، برای او تعیین می‌کند که با چه کسانی دوست باشد، چه مؤلفه‌هایی را برای دوست بودن با دیگران انتخاب کند، هم‌چنین نوع نگاهش به ملیت، مذهب و خانواده خودش چگونه باشد.

بخارایی و همکاران (۱۳۹۳)، با پژوهشی تحت عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی و گرایش به حقوق شهروندی» که در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور خراسان جنوبی با روش پیمایشی و شیوه نمونه‌گیری طبقاتی سیستماتیک و حجم نمونه ۹۸۹ نفری انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که سبک



زندگی در گرایش به حقوق شهروندی تاثیرگذار است. هم چنین سبک زندگی بر گرایش به حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی تأثیر دارد.

زارع و همکارانش (۱۳۹۱)، با پژوهشی تحت عنوان «بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل موثر بر آن» به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اقتصادی و سبک زندگی جوانان رابطه معنادار وجود دارد.

عدلی‌پور و همکاران (۱۳۹۴)، با «تحلیل رابطه سبک زندگی و هویت فرهنگی جوانان شهر تبریز» به این نتیجه رسیده‌اند که با گسترش سبک زندگی مدرن، میزان هویت فرهنگی افراد کاهش پیدا می‌کند. قادرزاده و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان مطالعه کیفی سنخ‌شناسی سبک‌های زندگی مطالعه جوانان شهر مهاباد به سبک‌های پیشامدرن، علمی ورزش محور، شاد زیست و جهان محلی می‌رسد. محمدی و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه ساده و چندگانه بین سبک زندگی با تعالی خانواده در شهر اصفهان نشان دادند که بین ابعاد سبک زندگی و تعالی خانواده همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود داشت.

هوایانگ (۲۰۱۶)، در تحقیقی تحت عنوان ارتباط بین سلامت روانی ناسالم و سبک زندگی ناسالم به این نتیجه رسیده است که سبک زندگی با سلامت روانی رابطه دارد.

دنيس آنتونی و همکاران (۲۰۱۱)، در تحقیقی با عنوان سلامت، سبک زندگی، باور و دانش‌های متفاوت قومی با تمرکز بر دخانیات، رژیم غذایی و فعالیت بدنی دریافته‌اند که سبک زندگی با تمرکز بر عناصر مطرح شده در گروه‌های مختلف متفاوت است.

جوانا بویرسکا و همکارانش (۲۰۱۲)، در تحقیقی تحت عنوان تحلیل سبک زندگی جوانان در نواحی شهری و روستایی به این نتیجه رسیده‌اند که سبک زندگی جوانان روستایی از لحاظ تغذیه، تحرک بدنی متفاوت از جوانان شهری است، جوانان روستایی سالم‌تر از جوانان شهری هستند. نتایج تحقیق دی (۲۰۱۱)، نشان داده است که سبک زندگی دینی با سلامتی اجتماعی افراد یک جامعه مرتبط است.

کارسون و آرنولد (۱۹۹۶)، به این نتیجه رسیدند که تقیدات درونی دینی و معنوی عامل مهمی در پیشگیری از آسیب‌های رفتاری و اجتماعی است؛ هم‌چنین سبک زندگی دینی و توأم با معنویت از رفتارهای خودکشی، طلاق و انحرافات اجتماعی پیشگیری می‌کند.

یافته‌های ژوبرت (۱۹۹۵)، نیز حکایت از آن داشت که تجارب و سبک زندگی معنوی با شاخص‌های آسیب‌شناسی اجتماعی در گروه‌های مختلف اجتماعی ارتباط دارد.

مایکرافت (۲۰۰۴)، در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان مصرف فرهنگی و افسانه سبک زندگی به سنخ‌های سبک زندگی باشکوه، سنتی، ناسالم و دیجیتالی رسیده است.

حمیدی و فرجی (۱۳۸۲)، در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان سبک زندگی و پوشش زنان تهران به عامل‌های مهم سنتی، تمایز و هویت رسیده است.

جمع‌بندی مطالعات قبلی در زمینه سبک زندگی و عامل‌های محوری آن در سطح خانواده روستایی دلالت بر این دارد که با توجه به مطالعه انجام شده در ادبیات موجود، پژوهشی کاملاً مرتبط با موضوع پژوهش حاضر انجام نشده است. با این حال در پژوهش‌های غیر مستقیم و پراکنده‌ای که در این زمینه صورت گرفته است، می‌توان موارد زیر را نتیجه‌گیری کرد:

۱. اکثر مطالعات در سطح ملی و بیرون از نهاد خانواده انجام شده‌اند. ۲. مولفه‌های سبک زندگی به صورت تفکیکی و اکثراً در سطح کلان یا در سطح گروه‌ها بررسی گردیده‌اند. ۳. در بررسی سبک زندگی برای رسیدن به عامل‌های محوری آن در سطح خانواده‌های روستایی، کاری پژوهشی یافت نشد. لذا طرح این موضوع شاخصی برای نوآوری پژوهش حاضر می‌باشد.

### اهداف تحقیق

#### هدف اصلی

- تعیین عامل‌های محوری سبک زندگی خانواده‌های روستایی بستان‌آباد.

#### هدف فرعی

- تعیین سهم عامل‌های محوری در تبیین تغییرات سبک زندگی خانواده‌های روستایی.

### فرضیه تحقیق

برای بررسی سبک زندگی و ابعاد محوری آن در سطح خانواده‌های روستایی که برگرفته از جمع‌بندی پیشینه نظری و تجربی بوده است، فرضیه تحقیق به صورت سوالی تدوین شد.

- عامل‌های مهم در سبک زندگی خانواده‌های روستایی بستان‌آباد کدامند؟

- سهم هریک از این‌ها در تبیین تغییرات سبک زندگی خانواده روستایی به چه میزان می‌باشد؟

### تعارف مفهومی و عملیاتی متغیرها

#### سبک زندگی

برداشت «گیدنز» از مقوله سبک زندگی عبارت است از تلاش برای شناخت مجموعه منظمی رفتارها یا الگویی از کنش‌ها که افراد آن‌ها را انتخاب کرده و کنش‌های آن‌ها در زندگی روزمره به واسطه آن‌ها هدایت می‌شود (خوشنویس ناهید، ۱۳۸۹: ۱۱). برخی نیز سبک زندگی را با «هویت» پیوند می‌زنند، سبک زندگی نظامواره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص

دارد. این نظامواره، هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۴۶). این تعریف به گونه‌ای هویت فرد را در برابر دیگران به نمایش می‌گذارد. بنا بر این می‌توان منظور از سبک زندگی را چنین بیان کرد: «مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهایی که یک فرد به منظور تامین نیازها و احتیاجات روزمره خود به کار می‌گیرد. شیوه زندگی هر فردی بیانگر هویت و معرف شخصیت آن فرد است. آن چه از جمع‌بندی تعاریف به دست می‌آید این است که سبک زندگی، دستورالعملی است که سرچشمه اعمال انسانی در اشکال عینی و ذهنی می‌باشد. به عبارت دیگر سبک زندگی را می‌توان از اندیشه تا عمل رصد کرد. سبک زندگی در این پژوهش بر اساس مبانی نظری و مشاهدات میدانی شامل مولفه‌های دینداری، نظام خانواده، هویت، ساختار اجتماعی، ارزش‌ها، ساختار اقتصادی و الگوی مصرف می‌باشد:

- دینداری: دین سنگ بنای سامان اجتماعی است و منبعی برای ارزش‌های اجتماعی است و بر گزینش‌های فردی و بسیاری از زمینه‌های زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد. برای تعریف عملیاتی متغیر مذکور از گویه‌هایی هم‌چون: ۱. دست کشیدن از غذا پیش از سیری، ۲. تلقی امر فردی و سلیقه‌ای از دین در قالب طیف لیکرت هفت گزینه‌ای که در سطح مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفتند.

- ساختار اجتماعی: ساختار اجتماعی مجموعه روابط و پیوندهایی است که میان افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف یک جامعه برقرار است. برای تعریف عملیاتی متغیر مذکور از گویه‌هایی هم‌چون: ۱. میزان گروهی کار کردن در خانه، ۲. توجه به ساعات خوابیدن و بیدار شدن در قالب طیف لیکرت هفت گزینه‌ای که در سطح مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفتند.

- نظامندی خانواده: اساس تشکیل خانواده این است که زن و مردی می‌کوشند اراده خود را برتأسیس آن و قبول تکالیفی که شرع برای آن‌ها معین کرده است محقق گردانند. برای تعریف عملیاتی متغیر مذکور از گویه‌هایی هم‌چون: ۱. قدرت پدر خانواده، ۲. مهم بودم حضور پدر و مادر بزرگ در خانواده در قالب طیف که در سطح مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفتند.

- هویت: هویت به معنی "چه کسی بودن" است و از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی بر می‌آید. برای تعریف عملیاتی متغیر مذکور از گویه‌هایی هم‌چون: ۱. احساس تعلق خاطر مشترک و تعهد افراد به خانواده، ۲. میزان دل بستگی به میراث گذشته در قالب طیف لیکرت که در سطح مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفتند.

- ارزش‌ها: ارزش عبارت است از عقایدی که خانواده یا گروه‌های انسانی درباره آن چه مطلوب، مناسب، خوب یا بد است دارند. برای تعریف عملیاتی متغیر مذکور از گویه‌هایی هم‌چون: ۱. میزان تمایل به ازدواج جوانان، ۲. میزان طلاق در قالب طیف لیکرت هفت گزینه‌ای که در سطح مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفتند.

- ساختار اقتصادی: در سبک‌های زندگی مختلف ساختار اقتصادی متفاوت خواهد بود مصرف‌گرایی، تولیدمداری، سرمایه‌زایی و سرمایه‌سوزی نشانگر سبک‌های زندگی مختلف خواهد بود. برای تعریف عملیاتی متغیر مذکور از گویه‌هایی هم‌چون: ۱. میزان توجه به فعالیت کشاورزی، ۲. اهمیت دان به دام و پرورش آن، ۳. میزان توجه به درآمدهای غیرکشاورزی در قالب طیف لیکرت که در سطح مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفتند.

- سبک زندگی و الگوی مصرف: الگوهای مصرف در سبک زندگی در بر گیرنده خوراک، مسکن و پوشاک یا حتی فراتر از این مفاهیم می‌باشند که این الگوها بر اساس سبک زندگی در خانواده‌ها متنوع و متفاوت می‌باشد. برای تعریف عملیاتی متغیر مذکور از گویه‌هایی هم‌چون: ۱. میزان قانع بودن به حداقل‌ها در خوردن، ۲. میزان اهمیت ساده پوشیدن در قالب طیف لیکرت که سطح مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفتند.

جمع‌بندی ما از سبک زندگی در ابعاد سنتی، مدرن و تلفیقی با شاخص‌های مرتبط در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول شماره (۴): ابعاد سبک زندگی و گویه‌های آن

ابعاد سبک زندگی	شاخص‌ها
سبک زندگی سنتی	به جا آوردن احکام دین حتی در صورت تضاد با منافع فردی، قدرت پدر خانواده، مهم بودن حضور پدر بزرگ و مادر بزرگ در خانواده، میزان رفت و آمد با فامیل، حرف پدر تأیید کننده نهایی تصمیمات خانواده، گروهی کار کردن در خانه، خوش قولی و پای‌بندی به تعهدات، انجام کارهای عام‌المنفعه، مشارکت اعضای خانواده در امور روستایی، اعتماد اعضای خانواده به یکدیگر، اهمیت دادن به ازدواج، اهمیت دادن به جنس پسر.
سبک زندگی مدرن	استفاده از تکنولوژی (کامپیوتر، اینترنت، موبایل و ...) برای آشنایی با دین، مشاجره و مجادله کلامی بین اعضای خانواده، توجه به ساعات خوابیدن و بیدارشدن، توجه به شاخص‌های سلامت و بهداشت جسمی و روانی، تجمل‌گرایی، میزان اختلاف نظر جوانان خانواده با بزرگ‌ترها، نسبت مصرف غذاهای مصنوعی (ساندویچ) به غذاهای طبیعی (آش)، میزان توجه به درآمدهای غیر کشاورزی، متکی بودن خانواده به درآمد پدر، میزان توجه کردن به پس‌انداز، استفاده از روش‌های جدید برای تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی، مقید بودن به نظم کاری.
سبک زندگی تلفیقی	به جا آوردن احکام دین حتی در صورت تضاد با منافع فردی، قدرت پدر خانواده، مهم بودن حضور پدر بزرگ و مادر بزرگ در خانواده، میزان رفت و آمد با فامیل، حرف پدر تأیید کننده نهایی تصمیمات خانواده، گروهی کار کردن در خانه، خوش‌قولی و پای‌بندی به تعهدات، انجام کارهای عام‌المنفعه، مشارکت اعضای خانواده در امور روستایی، اعتماد اعضای خانواده به یکدیگر، اهمیت دادن به ازدواج، اهمیت دادن به جنس پسر، تمایل به انجام فعالیت کشاورزی، اهمیت دادن به دام و پرورش آن، اهمیت دادن به ساده زیستی، استفاده از تکنولوژی (کامپیوتر، اینترنت، موبایل و ...) برای آشنایی با دین، مشاجره و مجادله کلامی بین اعضای خانواده، توجه به ساعات خوابیدن و بیدار شدن زنان در خانواده، نسبت مصرف غذاهای مصنوعی (ساندویچ) به غذاهای طبیعی (آش)، میزان توجه به درآمدهای غیر کشاورزی.

### ابزار و روش تحقیق

پژوهش حاضر از روش پیمایش و از نوع مقطعی آن بهره‌مند گردیده است از میان تکنیک‌های گردآوری اطلاعات از پر کاربردترین آن‌ها یعنی از پرسشنامه استفاده شده است. واحد تحلیل در این پژوهش فرد (سرپرست خانواده) می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق، کلیه سرپرستان خانواده‌های روستایی شهرستان بستان‌آباد در سال ۱۳۹۶ بوده‌اند. بر اساس اطلاعات گردآوری شده در نه دهستان و ۱۸۰ روستای شهرستان بستان‌آباد، ۱۸۶۴۵ خانوار سکونت داشتند که بر اساس فرمول کوکران ۳۷۶ خانوار روستایی به عنوان حجم نمونه محاسبه گردید. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. در این پژوهش، جهت برآورد اعتبار سوالات پرسشنامه، از اعتبار محتوایی استفاده شده است. هم‌چنین برای حصول اطمینان از پایایی ابزار سنجش، پرسشنامه مورد پیش‌آزمون قرار گرفت به این صورت که تعداد ۳۰ نفر از پاسخگویان پرسشنامه تنظیم شده را تکمیل نمودند. پس از تکمیل، پرسشنامه‌های مذکور کدگذاری و در نرم افزار وارد شدند و پایایی آن‌ها به وسیله آلفای کرونباخ ارزیابی گردید. سپس با توجه به نتایج حاصل از مطالعه مقدماتی، اصلاحات لازم در ابزار سنجش به عمل آمد تا اعتبار و پایایی آن افزایش یابد. جدول زیر حاوی اطلاعات مربوط به پایایی مقیاس‌های مورد سنجش می‌باشد.

جدول شماره (۵): ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌های تحقیق

ابعاد متغیرها	تعداد گویه	میزان آلفای به دست آمده
سبک زندگی در دین‌داری	۶	۰/۷۹۷
سبک زندگی در نظامندی	۹	۰/۸۰۲
سبک زندگی در هویت	۱۰	۰/۶۹۱
سبک زندگی در ساختار اجتماعی	۱۰	۰/۶۶۲
سبک زندگی در ساختار اقتصادی	۹	۰/۶۱۵
سبک زندگی در ارزش‌ها	۶	۰/۶۰۱
سبک زندگی در الگوی مصرف	۳	۰/۶۲۴
سبک زندگی	۵۳	۰/۸۹۰

### یافته‌های تحقیق

برای سنجش سبک زندگی، شاخص‌های برخورداری خانواده‌های روستایی از الگوی مصرف، ارزش‌ها، نظامندی، دین‌داری، ساختار اجتماعی، اقتصادی و هویت آورده شده بودند که نتایج حاصل نشان داد: الف) در مجموع برخورداری خانواده روستایی در سبک زندگی‌شان از هویت بیشتر از سایر مولفه‌ها بوده است پاسخ‌ها بیشتر در جهت احترام به تعلقات و تعهدات، اصالت‌ها و گذشتگان مثبت بوده است. جایگاه ساختار اجتماعی و اقتصادی در سبک زندگی با شاخص‌هایی چون گروهی کارکردن، اعتماد، احترام، نظم،

خوش‌قولی، تولید، مصرف، فعالیت‌های کشاورزی، پس‌انداز و درآمدهای غیر کشاورزی خوب ارزیابی می‌شود. (جدول ۶)

ب) جایگاه الگوی مصرف با شاخص‌هایی چون ساده زیستی، میزان تناسب درآمد با هزینه هم‌چون جایگاه ارزش‌ها با شاخص‌هایی مانند گسترده بودن شکاف نسلی، ازدواج، جنسیت‌گرایی و موقعیت زنان در سبک زندگی خانواده‌های روستایی در حد مطلوبی نیست.

ج) از مجموع شاخص‌های ابعاد مختلف سبک زندگی، الگوی مصرف، ارزش‌ها، نظامندی، دین‌داری، ساختار اجتماعی - اقتصادی و هویت این نتیجه عاید می‌گردد که میزان پایداری سبک زندگی خانواده روستایی پایین‌تر از حد متوسط بوده است. (جدول ۶)

جدول شماره (۶): آماره‌های توصیفی مربوط به سازه‌های ابعاد سبک زندگی

آماره توصیفی	الگوی مصرف خانواده	ارزش‌های خانواده	نظام خانواده	دین‌داری خانواده	ساختار اجتماعی خانواده	ساختار اقتصاد خانواده	در هويت خانواده
میانگین	۷/۸۸	۱۴/۲۴	۱۷/۳۳	۲۲/۱۱	۲۵/۷۴	۲۶/۷۰	۳۲/۵۲
انحراف استاندارد	۲/۸۸	۳/۶۵	۵/۲۷	۷/۳۱	۶/۷۳	۶/۵۸	۷/۶۶
واریانس	۸/۲۹	۳۲/۳۲	۲۷/۸۰	۵۳/۵۰	۴۵/۳۳	۴۳/۳۹	۵۳/۶۹
مینیمم	۳	۵	۸	۸	۱۲	۱۱	۱۳
ماکزیمم	۱۸	۳۲	۳۵	۴۵	۵۸	۵۰	۵۸

جدول شماره (۷): توزیع پاسخگویان بر حسب ابعاد سبک زندگی

ابعاد	بسیار زیاد	زیاد	تا حدی	کم	بسیار کم	اصلا	مورد ندارد	جمع
فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
سنتی	۹۲	۲۵	۱۰۴	۲۸	۸۹	۲۴	۳۹	۱۰۰
مدرن	۶۷	۱۸	۱۰۷	۲۹	۲۸	۴۸	۱۳	۱۰۰
تلفیقی	۸۱	۲۲	۱۰۵	۲۸	۹۷	۲۶	۴۳	۱۰۰

در جدول (۷) توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان براساس سبک زندگی در ابعاد سنتی، مدرن و تلفیقی آورده شده است، همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود بیشترین فراوانی در محتوای تشکیل دهنده سبک زندگی خانواده‌های روستایی شهرستان بستان‌آباد مربوط به گویه‌های بعد سنتی سبک زندگی است. به عبارتی ۵۳ درصد از پاسخگویان با شدت زیاد و بسیار زیاد اعلام کرده‌اند که سبک زندگی حاکم بر

زندگی آن‌ها سنتی است و ۴۷ درصد با شدت زیاد و بسیار زیاد اعلام کرده‌اند که سبک حاکم بر زندگی آن‌ها مدرن است. باتوجه به تفاوت حداقلی سبک زندگی سنتی و مدرن درحاکمیت بر زندگی خانواده‌های روستایی و آمار سبک زندگی تلفیقی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سبک زندگی تلفیقی بر خانواده‌های روستایی بستان‌آباد حاکم است. چرا که با لحاظ درجه تا حدی ۷۶ درصد پاسخگویان حاکمیت سبک زندگی تلفیقی را بر خانواده‌های خود تایید کرده‌اند.

تحلیل عاملی با هدف استخراج عامل‌های مهم و تعیین سهم درصدی آن‌ها در تبیین تغییرات سبک زندگی خانواده‌های روستایی با جهت پاسخگویی به سوال تحقیق اجرا گردید که خلاصه نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

**جدول شماره (۸): نمایی از عامل‌ها در ابعاد مختلف سبک زندگی خانواده روستایی و سهم هر یک از آن‌ها در تبیین تغییرات سبک زندگی**

ابعاد	عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد مقدار ویژه
دین‌داری	دین‌مداری	۲/۹۵۵	۴۹/۲۴
جمع	۱	۲/۹۵۵	۴۹/۲۴
نظام خانواده	مدرن	۲/۸۷۵	۴۱/۲۶
	سنتی	۱/۹۹۰	۱۲/۷۸
جمع	۲	۴/۸۶۵	۵۴/۰۵
هویت	اصالت‌گرا	۲/۱۶۷	۲۹/۰۴
	خودباور	۲/۱۶۶	۱۶/۴۴
	تکلیف‌گرا	۱/۴۰۶	۱۱/۸۹
جمع	۳	۳/۵۷۲	۵۷/۳۹
ساختار اجتماعی	دگر دوست	۲/۱۷۹	۲۷/۹۵
	جمع‌گرا	۱/۷۰۶	۱۴/۳۴
	مشارکت‌گرا	۱/۴۱۱	۱۰/۶۵
جمع	۳	۸/۷۹۶	۵۲/۹۶
ارزش‌ها	ازدواج‌گرا	۱/۸۵۲	۳۱/۲۷
	پسرگرا	۱/۲۲۱	۱۹/۹۴
جمع	۲	۳/۳۳	۵۱/۲۱
ساختار اقتصادی	تولیدگرا	۲/۷۴۰	۳۰/۵۷
	پس‌اندازگرا	۱/۳۷۹	۱۶/۹۷
	مصرف‌گرا	۱/۲۲	۱۱/۷۸
جمع	۳	۵/۳۴۱	۵۹/۳۳

از طریق این عامل‌ها می‌توان به یک مدل کلی‌تر برای تحلیل و تبیین سبک زندگی خانواده‌های روستایی دست یافت. از آن‌جا که ۱۴ عامل در شش بعد شامل اقتصادی، اجتماعی، نظام‌مندی، دین‌داری، هویتی و ارزشی خانواده‌های روستایی استخراج گردیده‌اند بیانگر ضرورت نگاه کثرت‌گرا در شناخت سبک زندگی خانواده‌های روستایی است.

**جدول شماره (۹): مدل تجربی اثرات عامل‌ها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، نظام‌مندی، هویتی، ارزشی و دین‌مداری خانواده‌های روستایی بر سبک زندگی آن‌ها با سهم درصدی هر یک از عامل‌ها**

بعد هویت شامل: - عامل اصالت‌گرا (۲۹/۰۴) - عامل خودباور (۱۶/۴۴) - عامل تکلیف‌گرا (۱۱/۸۹)	بعد دین‌داری شامل: - عامل دین‌مداری (۴۹/۲۴)
بعد ارزش‌ها شامل: - عامل ازدواج‌گرا (۳۱/۲۷) - عامل پسرگرا (۱۹/۹۴)	بعد نظام خانواده شامل: - عامل سنت‌گرا (۱۲/۷۸) - عامل مدرن‌گرا (۴۱/۳۶)
بعد اقتصادی خانواده شامل: - عامل تولیدگرا (۳۰/۵۷) - عامل پس‌اندازگرا (۱۶/۹۷) - عامل مصرف‌گرا (۱۱/۷۸)	بعد ساختار اجتماعی خانواده شامل: - عامل دگر دوست (۲۹/۹۵) - عامل جمع‌گرا (۱۴/۳۴) - عامل مشارکت‌گرا (۱۰/۶۵)

در جدول (۹) سهم درصدی هر یک از عوامل نشان داده شده است. بنا بر این اثرات بعد دینی خانواده بر سبک زندگی آن با عامل دین‌مداری ۴۹/۲۴ درصد بوده است. اثرات بعد نظام خانواده بر سبک زندگی آن ۵۴/۰۵ درصد بوده که در عامل‌های سنت‌گرا ۱۲/۷۸ درصد و عامل مدرن‌گرا ۴۱/۳۶ درصد بوده است. اثرات بعد ساختار اجتماعی خانواده بر سبک زندگی آن ۵۲/۹۶ درصد بوده که در عامل‌های دگر دوستی (۲۷/۹۵)، جمع‌گرا (۱۴/۳۴) و مشارکت‌گرا (۱۰/۶۵) تجلی یافته است. اثرات بعد هویتی خانواده بر سبک زندگی آن ۵۷/۳۹ درصد بوده و در عامل‌های اصالت‌گرا (۲۹/۰۴)، تکلیف‌گرا (۱۱/۸۹) و خودباور (۱۶/۴۴) تبلور یافته است. اثرات بعد ارزش‌های خانواده بر سبک زندگی آن ۵۱/۲۱ درصد بوده که در عامل‌های ازدواج‌گرا (۳۱/۲۷) و پسرگرا (۱۹/۹۴) بوده است. اثرات بعد اقتصادی خانواده بر سبک زندگی آن ۵۹/۳۳ درصد بوده که در عامل‌های تولیدگرا (۳۰/۵۷)، پس‌اندازگرا (۱۶/۹۷) و مصرف‌گرا (۱۱/۷۸) بوده است. آن چه از جمع‌بندی به دست می‌آید این است که با توجه به درصد مقدار ویژه هر یک از ابعاد بررسی شده، عامل‌های بعد اقتصادی نسبت به عامل‌های سایر ابعاد، نقش بیشتری در تبیین تغییرات سبک زندگی خانواده‌های روستایی دارند.



### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که میزان پایداری سبک زندگی خانواده‌های روستایی در سطح پایین‌تر از حد متوسط بوده است. این میزان پایداری در ابعاد، هویتی، اجتماعی و اقتصادی نسبت به سایر ابعاد بیشتر بوده است. به عبارتی توجه خانواده‌ها در سبک زندگی بیشتر روی مسایل هویتی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. این یافته مطابق با یافته‌های بهنویی (۱۳۹۱)، بخارایی (۱۳۹۳)، شفعی (۱۳۹۲)، عدلی‌پور (۱۳۹۴)، محمدی (۱۳۹۲)، آنا ماریل تالوس (۲۰۱۶)، هوایانگ (۲۰۱۶)، اریک منیسون (۲۰۱۲)، روجر والش (۲۰۱۱)، می‌باشد. هر چند نامبردگان مذکور نگاه کثرت‌گرا آن هم در سطح خانواده نداشته‌اند ولی رابطه علی و معلولی را بین مولفه‌هایی از سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی با سبک زندگی بررسی کرده‌اند که رابطه معنادار بوده‌اند. هم‌چنین نتایج تحقیق حاضر نشان داد که از میان ابعاد هفت‌گانه سبک زندگی بعد اقتصاد با سه عامل محوری یعنی تولیدگرا، پس‌اندازگرا و مصرف‌گرا نزدیک به ۶۰ درصد تغییرات سبک زندگی خانواده‌های روستایی را تبیین می‌کند. بر اساس سهم هر یک از این عامل‌ها می‌توان گفت هنوز رگه‌هایی از تولید در خانواده روستایی متجلی است. یافته حاضر نشان از نگاه تک محوری سرپرستان خانواده‌های روستایی و اولویت داشتن بعد فیزیکی، معیشتی و عینی در زندگی خانواده‌های روستایی می‌باشد. این یافته با نتایج تحقیق بیگلر (۱۳۹۴)، زارع (۱۳۹۱)، و نظریات وبر و اینگلهارت همسویی دارد. بدین معنا تغییراتی را که عامل‌های اقتصادی خانواده در سبک زندگی آن و بر عکس ایجاد می‌کند بیشتر از عامل‌های سایر ابعاد است. آن چه از جمع‌بندی تحلیل عاملی روی سبک زندگی خانواده‌های روستایی به دست می‌آید نشان از سنخ‌های گوناگون سبک زندگی است. به عبارتی درحالت کلی سبک‌های زندگی مدرن، سنتی و تلفیقی قابل عیان است، اما با جمع‌بندی عامل‌های استخراجی می‌توان از سبک زندگی تلفیقی (ترکیبی از سنت و مدرن) نام برد که در خانواده‌های روستایی حاکم است. با توجه به نتایج به دست آمده در سبک زندگی خانواده‌های روستایی مولفه‌هایی از سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وجود دارند که ظرفیت بزرگی در جهت برنامه‌ریزی برای پایداری توسعه در روستاها می‌باشند. بنا بر این می‌توان در بعد اقتصادی از سبک‌های زندگی تولیدگرا، پس‌اندازگرا، مصرف‌گرا، در بعد اجتماعی از عامل‌های مشارکت‌گرا، جمع‌گرا و دگر دوست نام برد. عامل‌های ازدواج‌گرا و پسرگرا در بعد ارزش‌ها هستند و در بعد هویتی عامل‌های اصالت‌گرا، خودباور و تکلیف‌گرا استخراج شدند. در نهایت عامل‌های مدرن‌گرا و سنت‌گرا در بعد نظام‌مندی خانواده و دین‌مداری در حوزه دین‌داری خانواده به دست آمدند. با توجه به چهارده عامل محوری در سبک زندگی خانواده‌های روستایی در ابعاد گوناگون، نخبگان اجرایی نیازمند نگاه کثرت‌گرا می‌باشند. هر گونه نگاه تک محور به روستا با توجه به نتایج به دست آمده در تحلیل عاملی انجام شده محکوم به شکست است. اگر خواهان پایداری سبک زندگی در جهت اقتصاد مقاومتی هستیم نیازمند برنامه‌ریزی همه جانبه برای چهارده عامل استخراجی از سبک زندگی خانواده‌های روستایی می‌باشیم.

## منابع

- الفت، سعیده؛ و سالمی، آزاده. (۱۳۹۱). مفهوم سبک زندگی، **فصلنامه مطالعات سبک زندگی**. شماره ۱، پاییز.
- باینگانی، بهمن؛ ایراندوست، سیدفهمیم؛ و احمدی، سینا. (۱۳۹۲). سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی: مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی، **فصلنامه مهندسی فرهنگی**. سال هشتم، شماره ۷۷.
- بخارایی، احمد؛ شربتیان، محمدحسن؛ و احمدی، اعظم. (۱۳۹۴). تحلیل رابطه جامعه‌شناختی سبک زندگی و گرایش به حقوق شهروندی مطالعه موردی دانشجویان پیام نور خراسان جنوبی، **فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی**. سال بیست و ششم، شماره پیاپی ۶ شماره چهارم، زمستان.
- بنت، اندی. (۱۳۸۶). **فرهنگ و زندگی روزمره**. ترجمه: لیلا، جوافشانی؛ و حسن، چاوشیان. تهران: انتشارات اختران. چاپ اول.
- پهنوئی گدنه، عباس، و ابراهیمی، قربانعلی. (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی گونه‌های هویتی در بین جوانان (مطالعه موردی بابلسر)، **فصلنامه مطالعات ملی**. شماره ۳۳.
- پهنوئی گدنه، عباس. (۱۳۹۱). جوانان، سبک زندگی و هویت اجتماعی، ارزیابی جامعه‌شناختی سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان بابلسر، **فصلنامه مطالعات سبک زندگی**. سال اول، شماره ۱۱۶.
- بیگدلو، مهدی؛ و باقری، عبدالرضا. (۱۳۹۴). نقش اعتماد و امنیت عمومی در توسعه پایدار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، **پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی**. شماره ۲۹، دوره هشتم.
- پارسامهر، مهربان؛ و رسولی‌نژاد، سیدپویا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه سبک زندگی سلامت محور با سلامت اجتماعی در بین مردم شهر تالش، **فصلنامه توسعه اجتماعی**. دوره دهم، شماره ۱.
- چاوشیان، حسن؛ و ابادری، یوسف. (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، **مجله نامه علوم اجتماعی**. شماره ۲۰، ص ۲۴-۹۲.
- حمیدی، نفیسه؛ و فرجی، حسن. (۱۳۸۶). سبک زندگی و پوشش زنان تهران، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. شماره اول، صص ۶۵-۶۵.
- خوشنویس، ناهید. (۱۳۸۹). **رسانه و سبک زندگی**. ماهنامه روابط عمومی ایران، شماره ۷۳، ص ۱۰.
- خواجه نوری، بیژن؛ روحانی، علی؛ و هاشمی، سمیه. (۱۳۹۰). رابطه سبک زندگی و تصویربند، مطالعه موردی زنان شهر شیراز، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. دور چهارم، شماره ۱، بهار.
- ربانی، رسول؛ و رستگار، یاسر. (۱۳۸۷). سبک زندگی و فرهنگ مصرفی، **مجله مهندسی فرهنگی**. صص ۲۴-۲۳.
- رسولی، محمدرضا. (۱۳۸۲). بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون، **مجله علوم اجتماعی**. ۲۳، ص ۵۴.
- زارع، بیژن؛ و فلاح، محمد. (۱۳۹۱). بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. دوره پنجم، شماره ۴.
- شریفی، احمد حسین. (۱۳۹۱). سبک زندگی به عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان، **مجله معرفت فرهنگی اجتماعی**. شماره ۱۱.
- عدلی‌پور، صمد؛ بنیاد، لیلی؛ و بردیافر، نیما. (۱۳۹۴). تحلیل رابطه سبک زندگی با هویت فرهنگی جوانان شهر تبریز، **مجله مطالعات ملی**. شماره ۶۴.
- فیست، جسن؛ و گریگوری، جی فیست. (۱۳۹۵). نظریه‌های‌های شخصیت. ترجمه: یحیی، سیدمحمدی. تهران: نشر روان.
- قادرزاده، امید؛ و فهمیم، ایراندوست. (۱۳۹۳). مطالعه کیفی سنخ‌های سبک زندگی، مطالعه جوانان شهرمهاباد، **جامعه‌شناسی کاربردی**. سال بیستم، شماره ۵۵، صص ۱۶۱-۱۳۵.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). **مبانی جامعه‌شناسی**. ترجمه: منوچهر، صبوری. تهران: نشر نی.

محمودی، محمدجواد؛ و احارری، مهدی. (۱۳۹۲). **درآمدی بر اقتصاد جمعیت نگرش‌ها، روش‌ها و یافته‌ها**. تهران: نشر موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

مهدوی‌کنی، سعید. (۱۳۸۶). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. شماره اول، صص ۲۳۰-۱۹۹.

- Anderson, W. Thomas & Golden, Linda L. (1984). **Lifestyle and psychographics: A critical review and recommendation**, *Advances in consumer Research*. vol. 11.
- Allen, J., Voget, R. and Cordes, S. (2002). **Quality of Life in Rural Nebraska: Trends and Changes**. Institute of Agriculture and Natural Resources.
- Ana- Maria Talos. (2016). **Influence of population lifestyle on local health profile**. Case study: Ialomita county Faculty of Geography, University of Bucharest.
- Bell, David. (2005). **Ordinary lifestyles**, US. McGrawhill: New York.
- Benedikter, Roland & Anheier M. Juergen Smeyer. (2011). **Lifestyles**. The sage encyclopedia of global studies: Illinois.
- Barron, L. & Gauntlett, E. (2002). **Stage 1 report- model of social sustainability**. Housing and sustainable communities' indicators project, Perth, Murdoch University, Western Australia.
- Bourdieu, P. (1984). **Distinction**. London: Routledge and Kegan Paul
- Carson, V., B & Arnold, E. (1996). **Mental Health Nursing: The Nurse Patient Journey**. Philadelphia: W. B. Saunders.
- Day, J. M. (2011). **"Religious factors in moral decisionmaking: Towards an integrated"**. socio- cultural developmental model, *Estudios de Psicología*, 32. P.p: 147-161.
- G, T, Z. (2004). **Chance for Socially sustainable Development**. Programme Office for.
- Hua, Yang., Jian, Gao., Tianhao, Wang., Lihong, Yang., Yao, Liu., Yao, Shen., Jian, Gong., Wei, Dai., Jing, Zhou., Jie, Gu., Zhigang, Pan., Shanzhu, Zhu. (2016) **Association between adverse mental health and an unhealthy lifestyle in rural- to-urban migrant workers in Shanghai**.
- Joubert, C., E. (1995). "Catholicism and indices of social pathology in the states", **Psychological Reports**. 76, P.p: 573-574.
- Joanna, Suliburska., Paweł, Bogdański., Danuta, Pupek- Musialik., Marta, Głód-Nawrocka., Hanna, Krauss., Jacek, Piątek. (2012). Analysis of lifestyle of young adults in the rural and urban areas, **Annals of Agricultural and Environmental Medicine**. Vol 19, No 1.
- Lamont M, (1996). Cultural and moral boundaries in the us: structural position, **geographic location, and lifestyle explanation**. *Poetics*. 24: P.p: 31-56.
- Maycroft, N. (2004). **Cultural consumption and the myth of 'life-style' in Capital & Class**: Special Issue on Cultural Production October.
- Roger, Walsh. (2011). **Lifestyle and Mental Health**. University of California, Irvine College of Medicine.
- Sobel, Michael. (1981). **Life style Expenditure in contemporary American: Relations bet.**